

PS

Project Syndicate

پاکسازی چهره استالین



نینا خروشچووا

توه رهبر شوروی سابق و استاد روابط بین‌الملل



حزب کمونیست روسیه اخیراً مدعی شده که می‌توان در «اعمال و آثار» استالین، «پاسخ‌هایی برای چالش‌های سرنوشت‌ساز امروز» یافت. واقعیت این است که ولادیمیر پوتین برای بیش از دو دهه، مشغول اعاده حیثیت از استالین و احیای برخی از بدترین عناصر دوران شوروی بوده است. اوایل این ماه، حزب کمونیست فدراسیون روسیه (KPRF) در کنگره خود، «سخنرانی محرمانه» و تکان‌دهنده نیکیتا خروشچف در سال ۱۹۵۶ را باطل اعلام کرد؛ در آن سخنرانی، خروشچف «کیش شخصیت» استالین را محکوم کرده بود. روایت حزب کمونیست این است که در زمانه «افزایش تهاجم نظامی‌گری ناتو علیه روسیه»، باید استالین را ستود و از او الگو گرفت، نه اینکه او را تقبیح کرد. در مقابل، قطعنامه حزب، خروشچف را متهم می‌کند که «میراث رهبری ۳۰ ساله استالین» را برای کسب «محبوبیتی بی‌ارزش و زودگذر» به کلی تخریب کرده است. این حزب حتی مدعی است که خروشچف با «کمبود اسناد برای بی‌اعتبار کردن استالین» مواجه بوده و «ثابت شده» که تلاشی هدمفند برای جایگزینی اسناد اصلی با «نسخه‌های جعلی» در آرشیوهای دولتی صورت گرفته است. این ادعاها حیرت‌آورند. بی‌رحمی و بی‌قانونی سیستم گولاگ یک واقعیت اثبات‌شده تاریخی است. می‌دانیم که تنها در دو سال اول «پاکسازی بزرگ» استالین، بیش از ۱/۵ میلیون نفر دستگیر و از این میان، بیش از ۶۸۰ هزار نفر کشته شدند. افزون بر این، با باز شدن آرشیوها در دوران «گل‌سنوست» میخائیل گورباچف در اواخر دهه ۱۹۸۰، اسناد جنایات به مراتب هولناک‌تری نیز کشف شد که خروشچف حتی جرأت افشای آنها را نداشت اما به روایت حزب کمونیست، استالین یک «رهبر سخت‌گیر اما منصف» و الگوی «صداقت» بود که «مردم ما را از بردگی و مرگ نجات داد». پوچی این قطعنامه زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم این حزب که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شده، جانشین قانونی حزب کمونیست شوروی (منحل‌شده در ۱۹۹۱) نیست و هیچ اختیاری برای ابطال تصمیمات خروشچف ندارد. یک نماینده ارشد پارلمان نیز به این نکته اشاره کرده، اما نه برای دفاع از خروشچف، بلکه چون حزب حاکم «روسیه واحد» می‌خواهد خود پرچمدار اصلی کارزار «استالینی‌سازی مجدد» باقی بماند. فرآیند پاکسازی چهره استالین، اندکی پس از به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین در ۲۵ سال پیش آغاز شد. در کتب آموزشی، مانند کتاب درسی «تاریخ معاصر روسیه: ۱۹۴۵-۲۰۰۲»، «دست آهنین» استالین به عنوان ضرورتی برای بقا و پیشرفت یک «کشور تحت محاصره» توجیه می‌شد. کتاب‌های درسی منتشر شده در سال ۲۰۲۳ - یک سال پس از تهاجم تمام‌عیار روسیه به اوکراین - پا را فراتر گذاشته و استالین را چهره‌ای محترم و پیروزمند معرفی کردند (جالب آنکه یکی از نویسندگان این کتاب‌ها، «ولادیمیر مدینسکی» مذاکره‌کننده ارشد پوتین در گفت‌وگوهای صلح با اوکراین بود). همزمان با تلاش رژیم پوتین برای بزرگ کردن چهره استالین در حافظه عمومی از طریق کتاب‌ها و مجسمه‌ها، آثار شوم «استالینی‌سازی مجدد» بیش از پیش آشکار می‌شود. سرکوب شدید مخالفان جنگ اوکراین و موج مرگ‌ومیر در میان نخبگان روس، از جمله این آثار است. جدیدترین مورد، خودکشی «رومان استاروویت»، وزیر حمل و نقل و فرماندار سابق منطقه کورسک بود. استاروویت به تازگی به دلیل ناکامی در جلوگیری از نفوذ نیروهای اوکراینی در سال گذشته، از کار برکنار شده بود. در دوران پوتین، همچون دوران استالین، اگر قدرت حاکم شما را مقصر بداند، شما مقصرید و باید هر مجازاتی را بپذیرید. در چنین فضایی، خودکشی به آخرین شکل «نافرمانی» تبدیل می‌شود. در واقع، برخی مقامات دوران استالین نیز همین راه را برگزیدند. «ویسارلن لومینادزه»، رئیس حزب کمونیست گرجستان، در سال ۱۹۳۵ برای فرار از دستگیری به سینه خود شلیک کرد. «میخائیل تومسکی» از بلشویک‌های قدیمی، در سال ۱۹۳۶ خود را کشت و در یادداشتی، هرگونه مشارکت در توطئه ضدشوروی را انکار کرد، اما پس از مرگ محکوم شد. خودکشی «سرگو ازینیکیدزه» اما نوعی دیگر از اعتراض بود؛ این دولتمرد بر جسته شوروی در سال ۱۹۳۷ و در اوج «پاکسازی بزرگ»، پس از آزار و اذیت وحشیانه برادرش، در ناامیدی به زندگی خود پایان داد. چنین خودکشی‌هایی در میان مقامات عالی‌رتبه، استالین را به خشم می‌آورد، زیرا آنها را نشانه عدم صداقت و فریبکاری می‌دانست. ظاهراً پوتین نیز از آخرین اقدام نافرمانی استاروویت به همین اندازه خشمگین بود، تا جایی که به دستیارانش دستور داد تاج گلی را که طبق پروتکل به مراسم تدفین فرستاده بودند، پس بگیرند.



بین‌الملل
INTERNATIONAL



محمدحسین لطفالاهی

خبرنگار بین‌الملل



اسرائیل در روزهای گذشته اهدافی را در دمشق، پایتخت سوریه مورد هدف قرار داد و مدعی شد که این حملات با هدف حمایت از یک گروه اقلیت در خاک سوریه صورت می‌گیرد. از زمان سقوط حکومت بشار اسد در سوریه در دسامبر سال گذشته، حملات اسرائیل به سوریه به‌ویژه علیه توانمندی‌های نظامی این کشور ادامه داشت. با این حال اواخر هفته گذشته تنش‌ها به اوج رسید و تل‌آویو تصمیم گرفت مستقیماً دمشق و ساختمان‌های دولتی در این شهر را هدف قرار دهد. دولت بنیامین نتانیا‌هو در اسرائیل مدعی است که این حملات را برای دفاع از جمعیت دروزی سوریه انجام داده اما به نظر می‌رسد اسرائیلی‌ها اهدافی فراتر از دفاع از یک اقلیت قومی را دنبال می‌کنند.

سوریه روز چهارشنبه ۲۵ تیر این حملات را محکوم و اسرائیل را به «تشدید تنش‌ها» متهم کرد. وزارت امور خارجه سوریه نیز در بیانیه‌ای سیاست اسرائیل را «سیاستی عامدانه» به منظور «دامن زدن به تنش‌ها، گسترش هرج و مرج و تضعیف امنیت و ثبات در سوریه» دانست. به گفته مقام‌های سوری، در این حملات دستکم ۳ نفر کشته و ۳۴ نفر زخمی شدند.

به‌رغم توافق دولت سوریه و رهبران دروزی برای آتش‌بس در روز چهارشنبه، درگیری‌ها تا صبح روز شنبه ۲۸ تیر ادامه داشت. بامداد شنبه، تام باراک، سفیر ایالات متحده در ترکیه در پستی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که سوریه و اسرائیل برای آتش‌بس توافق کرده‌اند. به نوشته او، واشنگتن و آنکارا از این توافق آتش‌بس حمایت می‌کنند.

الجزیره صبح روز جمعه ۲۷ تیر به نقل از یک مقام ناشناس اسرائیلی مدعی شده بود که اسرائیل با ورود نیروهای دولتی سوریه به منطقه برای ۴۸ ساعت موافقت کرده تا به درگیری‌ها در منطقه پایان داده شود. با این حال، شواهد بیانگر آن است که نه آتش‌بس و نه ثبات در سوریه، پایدار به نظر نمی‌رسد.

▼ دروزی‌ها چه کسانی هستند؟

دروزی‌ها یک جامعه مذهبی عرب‌زبان با جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر هستند که سکونتگاه اصلی آنان کشورهای سوریه، لبنان و سرزمین‌های اشغال‌شده از سوی اسرائیل است. خاستگاه این آیین به قرن یازدهم میلادی در مصر بازمی‌گردد. آئین دروزی که انشعابی از اسلام به شمار می‌رود، گرویدن به این دین یا خروج از آن و همچنین ازدواج با پیروان دیگر ادیان را مجاز نمی‌شمارد. در سوریه، جامعه دروزی‌ها بیشتر در سه استان اصلی در جنوب این کشور و در نزدیکی بلندی‌های جولان که تحت اشغال اسرائیل است، متمرکز هستند.

بیش از ۲۰ هزار دروزی در بلندی‌های جولان سکونت دارند. اسرائیل در جنگ شش‌روزه با اعراب در سال ۱۹۶۷ این بلندی‌های استراتژیک را اشغال و در سال ۱۹۸۱ آن را به سرزمین‌های اشغالی ضمیمه کرد. بلندی‌های جولان، علاوه بر دروزی‌ها، سکونتگاه بیش از ۲۵ هزار نفر از شهرک‌نشینان یهودی است که در بیش از ۳۰ شهرک بنا شده در این منطقه زندگی می‌کنند.

بیشتر دروزی‌های ساکن در بلندی‌های جولان هویت خود را سوری می‌دانند و هنگامی که اسرائیل این منطقه را تصرف کرد، پیشنهاد دریافت تابعیت اسرائیلی را نپذیرفتند. به افرادی که از پذیرش تابعیت سر باز زدند، کارت اقامت اسرائیل اعطا شد اما آن‌ها شهروند رسمی اسرائیل به شمار نمی‌روند.

برخلاف دروزی‌های سوریه و بخشی از آن‌ها که ساکن بلندی‌های جولان هستند و تابعیت اسرائیل را نپذیرفته‌اند، دروزی‌های ساکن اسرائیل عمدتاً به تل‌آویو وفادارند و برخی از آن‌ها در مناصب عالی‌رتبه ارتش اسرائیل خدمت می‌کنند.

دروزی‌های سوریه اکثریت جمعیت استان سویدا در این کشور را تشکیل می‌دهند و از زمان جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، بارها در نزاع‌ها میان نیروهای دولتی و گروه‌های افراط‌گرا که امروز حکومت را به دست گرفته‌اند گرفتار شده بودند. در سال‌های جنگ داخلی بسیاری از خانواده‌های دروزی از اعزام فرزندان‌شان به سربازی خودداری می‌کردند. با این حال، آن‌ها بارها مورد حمله داعش قرار گرفته بودند و از آن زمان تلاش‌هایی برای شکل دادن یک گروه شبه‌نظامی برای مقابله با حملات داعش و یا مقابله با گروه‌های نظامی و شبه‌نظامی دیگر انجام داده بودند.

▼ چرا نیروهای دولتی سوریه با دروزی‌ها درگیر شدند؟

پس از سقوط حکومت بشار اسد، احمد الشرع، جنگجوی جهادی وابسته به القاعده توانست قدرت را به دست گیرد. او وعده داد که به حقوق اقلیت‌ها در جامعه

تحولات سوریه



تصویر: The Washington Post

جدال حاکم وابسته به بررسی عوامل وانگیزه‌های

بیرد. اسرائیل از سال ۱۹۶۷ به این سو، بلندی‌های جولان را اشغال و نیروهای نظامی خود را در این منطقه مستقر کرد تا در هر درگیری احتمالی با سوریه، بتواند از نظر جغرافیایی دست برتر را داشته باشد. تاکنون به جز ایالات متحده (در دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ)، هیچ کشوری الحاق بلندی‌های جولان به اسرائیل را به رسمیت نشناخته است.

اوایل ماه دسامبر، در فاصله کوتاهی پس از سقوط حکومت بشار اسد، صدها نقطه از خاک سوریه توسط نیروی هوایی اسرائیل مورد حمله قرار گرفت تا به گفته کارشناسان، یکی از بزرگترین مجموعه حملات هوایی در تاریخ اسرائیل رقم بخورد و توان نظامی سوریه ظرف چند روز به‌طور موثری نابود شود. به موازات این حملات، نیروی زمینی اسرائیل نیز اقدام به پیشروی در خاک سوریه کرد و برخی از مناطقی را که بر اساس توافق سال ۱۹۷۴ از ورود به آن منع شده بود، به تصرف خود درآورد. بر اساس گزارش نشریه تایم، در حال حاضر علاوه بر بلندی‌های جولان، حدود ۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک سوریه در اشغال اسرائیل است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد در حمله اخیر نیروی هوایی سوریه که پیش از این از مجموع ۱۵۰ فروند جنگنده میگ ۲۹، میگ ۲۳ و سوخو ۲۲ تشکیل می‌شد از بین رفته و سامانه‌های پدافندی سوریه نیز آسیب جدی و غیرقابل جبرانی دیده‌اند.

نتانیا‌هو پیشتر دولت جدید سوریه را یک «رژیم اسلامگرای افراطی» خوانده و آن را تهدیدی علیه موجودیت اسرائیل توصیف کرده بود. در ماه مه، شبکه خبری سی‌ان‌ان به نقل از یک مقام ارشد اسرائیلی گزارش داد که دولت اسرائیل از کاخ سفید خواسته است که تحریم‌ها علیه سوریه را لغو نکند و هشدار داد که نادیده گرفتن این تهدید می‌تواند به «تکرار دوباره هفت اکتبر» منجر شود.

دولت اسرائیل همچنین به طور یکجانبه در جنوب سوریه یک منطقه غیرنظامی اعلام کرد و گفت که هرگونه ورود سلاح و نیروی نظامی به این منطقه ممنوع است. دولت سوریه پذیرش اعلام منطقه غیرنظامی در جنوب سوریه را رد کرده و بارها از اسرائیل خواسته با خروج نیروها و پایان دادن به اشغالگری به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی سوریه احترام بگذارد.

متکثر سوریه احترام بگذارد اما از همان روزهای آغازین حکومت الشرع، بدبینی‌ها میان جوامع دروزی و دولت جدید سوریه مشکلاتی ایجاد کرد. برخی از رهبران دروزی از فرآیند تشکیل دولت ملی کنار گذاشته شدند و با انتخاب تنها یک وزیر از میان دروزی‌ها، حضور آن‌ها در حکومت جدید صرفاً حضوری نمادین بود.

برخلاف وعده‌ها، نیروهای افراط‌گرای اهل سنت وابسته به دولت، درگیری‌های خونینی را با گروه‌های اقلیت رقم زدند. در ماه مارس، در حمله این نیروها به علویان در شهر لاذقیه، صدها نفر کشته شدند. در ماه آوریل نیز درگیری‌ها میان نیروهای دولتی و شبه‌نظامیان دروزی دست‌کم ۱۰۰ کشته بر جای گذاشت.

آخرین سری از تنش‌ها میان نیروهای دولتی و دروزی‌ها زمانی آغاز شد که نیروهای دولتی سوریه قصد ورود به درگیری‌ها میان شبه‌نظامیان دروزی و برخی از قبایل محلی را داشتند. تقابل میان نیروهای دولتی و دروزی‌ها این بار بسیار خونین‌تر از درگیری‌های قبل بود و به گفته رسانه‌های محلی دست‌کم ۶۰۰ نفر در این درگیری‌ها کشته شدند.

دروزی‌ها، نیروهای دولتی مستقر در منطقه را به کشتار غیرنظامیان، بر خوردهای تحقیرآمیز علیه محلی‌ها و اعدام بدون طی فرایند قضایی متهم کرده‌اند. ویدئوها و تصاویر منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی نیز خشونت بسیار و رفتارهای تحقیرآمیز نیروهای دولتی سوریه علیه دروزی‌ها را تأیید می‌کرد.

▼ چرا اسرائیل به سوریه حمله کرد؟

تشدید درگیری‌ها و افزایش خشونت‌ها بهانه مناسبی را برای ورود اسرائیل به درگیری فراهم کرد. بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل پس از آغاز حملات اسرائیل به سوریه مدعی شد که تل‌آویو خود را «متعهد به حمایت از برادران دروزی که رابطه‌ای تاریخی و خانوادگی با دروزی‌های اسرائیل دارند» می‌داند.

دروزی‌ها کاملاً مشتاق بود که منطقه حائل‌ی برای مرزهای خود ایجاد کند و با افزایش نقش آفرینی نظامی در سوریه، هرگونه پتانسیل و ظرفیت نظامی در این کشور را از بین